

سِرِّ الْوَعْدِ

1274

92

1

91

56

سرشناسه: امامی فر، سید محمد رضا

عنوان و نام پدیدآور: خبر عقل از فرمایشات امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم / تألیف سید محمد رضا امامی فر

مشخصات نشر: قم: فادی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۹۱ صفحه

شابک: ۵ - ۳ - ۹۷۸۶۴ - ۹۷۸ - ۶۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۸۶: همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: عقل و ایمان (اسلام)

موضوع: عقل و ایمان (اسلام) - احادیث

موضوع: موسی بن جعفر، امام هفتم، ۱۲۸ - ۱۸۲ ق. دیدگاه درباره عقل

موضوع: تربیت اخلاقی، جنبه های مذهبی - اسلام

موضوع: اخلاق اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ - ۸ الف / ۲۱۶ / ۱۵ BP

رده بندی دیسی: ۹۷ / ۱۲

شماره کتابشناسی: ۹۷۵۲۷۲۶



انتشارات فادی

خبر عقل

از فرمایشات امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم

تألیف: سید محمد رضا امامی فر

ناشر: فادی (قم مقدسه)

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

شمارگان: کمتر از ۱۰۰۰ نسخه

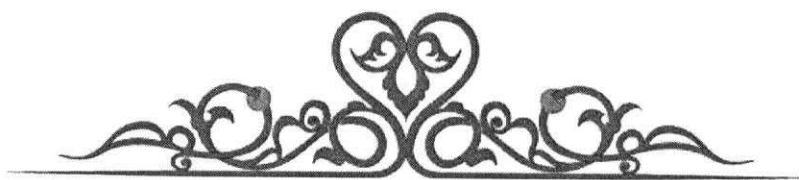
قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۵ - ۳ - ۹۷۸۶۴ - ۹۷۸ - ۶۰۰

fadinashr@gmail.com

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۴۵۲۷۴۲۸

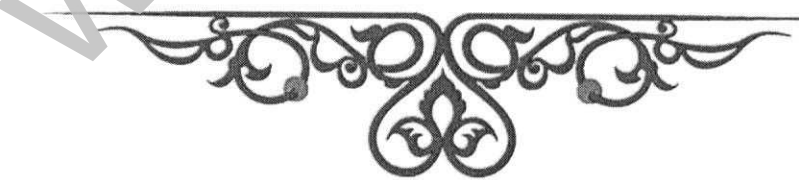
تمامی حقوق اثر، برای ناشر محفوظ است



خبر عقل

از فرمایشات امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم

سید محمد رضا امامی فر





مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين و به ثقتي في دنياي و

آخرتي ثم صلواته و رحمته و برکاته علی محمد و آله الطاهرين

اما بعد، از آنجا که وجداناً و نقلاً، قوه عقل، مهمترین مصدر معرفت و اهم ادله اربعه اصولی است، پس شناخت آن از جایگاه ویژه‌ای در نظام فکری اسلام برخوردار، بلکه در رأس امورست و از آنجا که پیامبر و اهل بیت ایشان (درود خدا بر آنان باد) عاقلترین دانشمندان و حکیمان ربّانی در معرفی گوهر عقل می‌باشند، پس رجوع به اخبار صحیح‌شان، در معرفی عقل، امری لازم و ضروریست.

کتابی که پیش روی شماست، تلاشی در جهت این ضرورت است، تا با گزارش خبر هشام بن حکم در معرفی عقل از منظر امام کاظم علیه السلام، به نقل از کتاب شریف تحف العقول، دریچه جدیدی از حکمت ربّانی و نواضع اخلاقی را تقدیم صاحبان خرد نماییم.

اما جدای از مباحث گسترده‌ای که در این روایت، امام به آنها اشاره فرموده و نیازمند شرح و بررسی گسترده می‌باشد، لازمست به صورتی مختصر به سه کاربرد مهم عقل از منظر امام کاظم علیه السلام اشاره نماییم.

قبل از هر چیز، باید به اصل مهمی اشاره و تأکید نماییم و آن اینست که قول پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در مورد عقل، قولی واحدست و از آنجا که میان ائمه شعه علیهم السلام هیچ اختلافی در معرفت دین نیست، قول هریک از آنان قول دیگری است و در اصطلاح امام شناسی همگی نور واحداند و باید میان اخبارشان جمع نمود لذا نظر امام کاظم علیه السلام در باب عقل دانسته نمی‌شود، مگر بعد از بررسی اجتهادی جمیع روایات معتبری که در باب عقل از همه ائمه وارد شده است.

پس اگر روایتی معتبر از یک امام علیه السلام نقل شد، این بدان معناست که قول همگی آنان چنین است و از همین منظرست که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي وَ حَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ حَدِيثُ مَنْ، حَدِيثُ پَدْرَم وَ حَدِيثُ پَدْرَم، حَدِيثُ جَدَم وَ حَدِيثُ جَدَم، حَدِيثُ امام حسین و حَدِيثُ امام حسین، حَدِيثُ امام

حسن و حدیث امام حسن، همان حدیث امیرالمؤمنین و حدیث
امیرالمؤمنین، همان حدیث رسول خداست و حدیث رسول خدا،
همان قول خداوند عزوجل است»^۱

پس ما در اینجا به سه کارکرد مهم عرفانی و اصولی و رجالی عقل در
روایات اهل بیت علیهم السلام فقط اشاره‌ای مختصر می‌کنیم، بدون اینکه تنها به
خصوص روایات وارده از امام کاظم علیه السلام استناد نموده باشیم:
لازم به ذکر است که شرح هر کدام از این موارد، خود تألیف مستقلی می‌طلبد^۲
۱. نقش مبانی عقل در معارف و تفقه قلبی

«عن امیر المؤمنین علی علیه السلام: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ خَوَاطِرَ سَوَاءٍ وَ الْعُقُولُ
تَرْجُزُ مِنْهَا؛ قلب دچار واردات مضطرب کننده‌ای می‌گردد و نقش
عقل این است که قلب را از این واردات بر حذر می‌دارد»^۳.

۲. نقش مبنایی عقل در علم اصول

امام کاظم علیه السلام بر حجة بالغه در معرفت دین و استنباط احکام، تأکید
فراوان نموده و دلیل عقل را از حجة بالغه بر می‌شمارد و آن را به «قیاس

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۵۳.

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع فرمایید به کتاب «الحجة البالغة» تألیف حمید سبط الشیخ الانصاری.

۳. عیون الحکم و المواعظ (للشیخ)، ص ۱۵۷.

تَعْرِفُ الْعُقُولَ عَدْلَهُ»^۱ تعبیر می‌فرمایند. یعنی دلیل و برهانی که عدالت و صحتش را همه عقول تایید می‌کنند.

این عنوانی واضح برای بحث مستقلات عقلیه است که در تمام مباحث کلام شیعه و اصول فقه و مبانی تفسیر کاربردی عمیق و گسترده دارد.

۳. نقش مبنایی عقل در علم رجال

امام رضا علیه السلام در خبری به ابن سکیت می‌فرمایند: «حجت خدا همان عقل است که با آن صادق علی الله و کاذب علی الله شناخته می‌شود. یعنی آن کسی که به خداوند سخن راست می‌گوید، نسبت می‌دهد، در برابر دروغگویی که به خداوند نسبت دروغ می‌دهد، تمیز داده می‌شود.

«الْعَقْلُ يُعْرِفُ بِهِ الصَّادِقَ عَلَى اللَّهِ قِيَصْدَقُهُ وَ الْكَاذِبَ عَلَى اللَّهِ قِيَكُذِّبُهُ»^۲

امام حسن عسکری علیه السلام در توضیح همین مبنای رجالی می‌فرمایند: مبنای عقلی در پذیرش اخبار و شناخت صادق علی الله (همان که امام رضا علیه السلام به آن اشاره فرمودند) همان معیار عدالت است. ایشان با بیان صفات علمای یهود و تأکید بر وجود مشابهت میان عوام و علمای یهود با مدعیان اسلام و تشیع بیان می‌فرمایند:

۱. تحف العقول، النص، ص ۴۰۷ و الإختصاص، النص، ص ۵۸.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۲۵.

آن علمایی که تعصبات ناحق و حزبی و گروهی و فرقه‌ای دارند و دین را دستمایه به دست آوردن دنیا قرار داده و نسبت به مخالفینشان بی‌انصاف بوده و اهل ظلم به معنای عرفی کلمه‌اند. همانا نه تنها شهادت و روایتشان بر اساس دلیل عقل قبول نمی‌شود، بلکه تقلیدشان از منظر عقل جایز نیست.

«... اضْطُرُّوا بِمَعَارِفِ قُلُوبِهِمْ إِلَى أَنْ مَنْ فَعَلَ مَا يَفْعَلُونَهُ فَهُوَ فَاسِقٌ، لَا يَجُوزُ أَنْ يُصَدَّقَ عَلَى اللَّهِ، وَلَا عَلَى الْوَسَائِطِ بَيْنَ الْخَلْقِ وَبَيْنَ اللَّهِ، لِيَا لَكَ ذَمُّهُمْ [اللَّهُ] لَمَّا قَلَّدُوا مَنْ قَدْ عَرَفُوا، وَمَنْ قَدْ عَلِمُوا أَنَّهُ لَا تَجَوُّزَ قَبُولَ حَبْرِهِ، وَلَا تَصْدِيقَهُ فِي حِكَايَتِهِ، وَلَا الْعَمَلَ بِمَا يُؤَدِّيهِ إِلَيْهِمْ عَمَّنْ لَمْ يَشَاهِدْوه»^۱

عوام مردم با معارف عقلی و قلبی خود فطرتاً می‌فهمند کسی که چنین اعمالی را انجام دهد، فاسق است و جایز نیست او را در سخنی که به خداوند و پیامبران و ائمه علیهم‌السلام نسبت می‌دهد تصدیق نمود. پس خداوند عوام یهود را در قرآن مذمت فرموده از اینکه از علمایی که وسعیت اخلاقی، فسق و عدم عدالتشان را می‌شناختند تقلید نمودند؛ کسانی که عملاً می‌دانستند که قبول

۱. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه‌السلام، ص ۳۰۰.

کردن خبر و تصدیق حکایات و عمل نمودن به شهادت ایشان در خبر دادن به آنچه خود مشاهده ننموده‌اند، جایز نیست.^۱

پس از این اشاره کوتاه، در ادامه لازمست تا به صورتی مختصر، کتاب تحف العقول و مؤلف آن و راوی خبر مذکور را معرفی نماییم.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع فرمایید به کتاب «الاتجاه الفقاهي فی أصول علم الرجال و قبول الاخبار»، تألیف حمید سبط الشیخ الانصاری.

معرفی کتاب تحف العقول

کتاب ارزشمند و شریف «تحف العقول فیما جاء من الحكم و المواعظ من آل الرسول» از کتب مشهور حدیثی شیعه، در قرن چهارم هجری و در موضوع حکمت‌های عقلی و مواعظ اخلاقی، اثر محدث جلیل القدر شیعه، ابن شعبه حرّانی می‌باشد.

این کتاب علاوه بر موضوع یاد شده، مشتمل بر دقایقی از رؤوس مطالب کلامی، اصولی و قواعد فقهی است و بنابر غنای مطالب آن، از دیرباز تا کنون مورد توجه علمای بزرگ شیعه بوده و به توصیه آنان محور مباحث دروس اخلاق حوزات علمیه، منابر وعظ و خطابه و مجالس احیای امر می‌باشد. امید است تا با تهیه درس‌نامه‌ای از این کتاب سهم آن در مباحث اخلاقی حوزات علمیه شیعه تداوم و تعمیق و توسعه یابد.

از آنجا که این کتاب مشتمل بر حکمت‌های عقلی و مواعظ اخلاقی جهان شمول و فطری است، پس لازمست به ترجمه و ترویج آن به زبان‌های دیگر و انتشار جهانی آن اقدام گردد؛ زیرا مردم جهان با دانستن برتری روش اهل بیت پیامبر ﷺ و محاسن کلامشان و اعجاز عقلی در براهین‌شان، به ایشان متمایل گشته و هدایت می‌پذیرند.

انگیزه مؤلف کتاب و روش او در تألیف اثر

مؤلف کتاب در مورد انگیزه خود از تألیف کتاب و نحوه جمع آوری خود،

چنین می‌فرماید:

«من چون در علومى كه از پیغمبر و وصیش (على بن ابى طالب عليه السلام) و فرزندانشان صلوات الله عليهم و رحمته و برکاته، به دستم رسیده، دقت کردم و پیوسته در آنها تأمل و تدبر نمودم، دریافتم كه این روایات نسبت به احادیثی كه از آنها صادر شده، اندك و نسبت به آنچه صادر نشده و علمى كه بیان نفرموده‌اند، ناچیز است. در عین حال همین مقدار مشتمل بر امور دین و دنیا و جامع صلاح دنیا و آخرت است. حق جز نزد آنها یافت نشود و حقیقت جز از طریق آنها به دست نیاید و راستی را جای دیگر نتوان جست. دیدم كتب حدیث علمای شیعه، روایات زیادی درباره حلال و حرام و واجبات و مستحبات جمع آوری نموده‌اند، آن مقدار كه ثوابش را خدا ثبت کرده و آیندگان را از رنج تألیف بی‌نیاز ساخته و بار تصنیف را از دوش آنها برداشته‌اند. اما در علمى كه از بزرگان اهل بیت عليهم السلام وارد شده، به روایاتی برخورددم مشتمل بر: حکمت‌های رسا، پندهای شفاف‌بخش، تشویق به سرای جاوید، دل‌کندن از دنیای ناپایدار، نوید، تهدید، ترغیب بر اخلاق و کردار

نیک، نهی از کارهای بد، دعوت به پرهیزگاری و تحریرص به پارسایی. که بخشی از این مضامین در سفارش‌ها، خطبه‌ها، نامه‌ها و عهدهای مفصل بیان شده و بخشی دیگر ضمن جمله‌های کوتاه. که با داشتن ویژگی اختصار لفظی، مفاهیم والا و فوائد بسیار دارند. در کتاب‌های دانشمندان شیعه، نوشته‌ای بی‌نیاز کننده و کتابی قابل اعتماد که نیاز را برطرف سازد و خواسته‌ام را تأمین کند، در این زمینه نیافتم. به ناچار روایاتی که مشتمل بر این مضامین بود گرد آوردم و حدیث‌هایی نادر و بدیع، مفاهیمی عالی و زیبا که هم جنس و هم شکل و همانند و همسان آنها بود، ضمیمه آن کردم.

از این کار رضا و پاداش خداوند جل ثناؤه را می‌جویم و همی خواهیم نفس را بر التزام و عمل به این تألیف وادارم و با آن تربیت کنم، تا از شوق ثواب و بیم عقاب به اسباب نجات بپیوندد. این پندها به هنگام غفلت هشدارم دهد و گاه نسیان یاد آورم باشد. شاید مؤمن مخلصی نیز در آن بنگرد و آنچه را بداند تذکر یابد و آنچه را نداند فرا گیرد و مرا در ثواب علم و عمل خود شریک سازد، چه این کتاب مشتمل است بر: اصول و فروع دین، کلیات و جزئیات حق، مجموعه سنن و آداب، تذکرات و مطالب حکیمانه ائمه علیهم‌السلام، فوائد

زیبا و اخبار جالب. کتاب را به ترتیب مقام پیغمبر و ائمه علیهم السلام مرتب ساختم؛ چهار موعظه هم‌سنخ مطالب کتاب و مناسب مضامین آن از گفتار خداوند با موسی علیه السلام و گفتار او با عیسی علیه السلام و مواعظ حضرت عیسی و موعظه‌ای از «مُفَضَّل» در خاتمه آوردم».

سپس در مورد علت حذف اسناد روایات این کتاب شریف می‌فرماید:

«اسناد و نام راویان را به منظور اختصار اسقاط کردم. با اینکه بیشتر این حدیث‌ها را خود از استادان حدیث شنیده‌ام. علاوه که اینها همه آداب و حکم است و منها خود شاهد صدق خویش است و احتیاج به ذکر سند ندارد. آنها را برای احتیاج با مخالف جمع‌آوری نکرده‌ام، بلکه مخصوص کسانی است که در برابر امامان علیهم السلام تسلیم، به حقشان عارف و به گفتارشان راضی اند و هر چه را ندانند یا نفهمند به آنها ارجاع می‌کنند. البته حدیث در مضامین نامبرده، از شماره بیرون است و گسترده‌تر از آن است که بتوان در اوراق کتابی محدودش ساخت. اما آنچه آوردیم، برای آنکه قلبی در سینه و عقلی در سر دارد پس است»

سپس در مورد روش صحیح فهم روایات به حق فرموده:

«دقت کنید، با چشم دل بنگرید، با گوش قلب بشنوید، با آن

خردهای سالم و فهم‌های صحیح که خدا به شما بخشیده و حجت

بر شما قرار داده، دریابید و نگه دارید»

با این وصف، شما خوانندگان محترم را به مطالعه ادامه مقدمه کتاب تحف

العقول از متن اصلی دعوت می‌نمایم.

معرفی ابن شعبه حرانی

ابو محمد، حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی، معروف به ابن شعبه

حرانی از راویان ثقه و عادل و محدثان حلیل القدر امامیه در قرن چهارم

هجری است و از تمامی گزارش‌های ناروا و اتهاماتی که عده‌ای به او زده‌اند

مبرا است؛ زیرا قول آنان مبتنی بر قبول مصداق است که غلات بدو نسبت

داده‌اند و قبول قول غلات، در انتساب کتبی چند به ایشان، پذیرفته نمی‌شود؛

چه آنکه شایسته نیست فقیه، به سخنان افرادی که عدالتشان احراز نشده

ترتیب اثر دهد. نه تنها جرح اشخاص و اثبات عدم عدالتشان، محتاج بینه‌ای

مفسره و واضح است، بلکه بالاتر از آن، بنابر آنچه در اخبار و فتا شعبه و

اصول علم رجال ثابت شده، بررسی مستندات جرح و تضعیف برای آن

روایتی که پیشتر تشیع و عدالت و اخوتشان ثابت گشته، محتاج احتیاط و محکوم به استصحاب است.

هشام بن حکم

ابو الحکم، یا ابو محمد، هشام بن حکم از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام و از مکلمین بزرگ امامیه در قرن دوم هجری می‌باشد. شکی در وثاقت و عدالتش نیست و اما آن اخبار آحاد و متعارض و قابل توجیهی که عده‌ای در مذمت و جرح او گزارش نموده‌اند. در مقابل، شهادات و شهرتی که برای تعدیل و توثیق و جلالت قدرش است، بی‌تأثیر بوده و قابل قبول نیست.

پس از این معرفی مختصر، در بیان این مقدمه، جهت آمادگی و توجه قلبی هرچه بیشتر مخاطبان به دقت در کلام اهل بیت علیهم السلام، لازم است به خبری شریف از امام صادق علیه السلام اشاره کنم:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ كُلَّهُ فَلْيَقُلِ الْقَوْلَ مِنِّي فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ قَوْلَ آلِ مُحَمَّدٍ نِيْمًا أَسْرَوْا مَا أَعْلَنُوا وَ فِيمَا بَلَّغَنِي عَنْهُمْ وَ فِيمَا لَمْ يَبْلُغْنِي؛ از امام صادق علیه السلام روایت شده که می‌فرمودند: کسی که خوش دارد به نهایت کمال ایمان رسید، باید بگوید و معتقد شود: «نظر من در مورد همه چیز همان نظر آل

محمد ﷺ است؛ چه نظرشان را پنهان نموده و چه آشکار کرده

باشند، چه به دستم رسیده باشد، یا نرسیده باشد»^۱

امید است تا با بهره‌گیری کامل از فرمایشات‌شان در دنیا و آخرت همنشین

آن ذوات مقدس گردیم، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

حمید سبط الشیخ الأنصاری

تاریخ ۱۷ شهر رمضان المبارک ۱۴۳۹

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۳۹۱.